

كتاب الأدوار في الموسيقى

تأليف

صفى الدين ابوالمفاحر عبدالمؤمن بن يوسف بن فاخر اورميه‌ای
(۶۱۳ - ۶۹۳ ه . ق .)

بکوشش یحیی ذکاء

پرستاری علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرستاری علوم انسانی

و بعضی عوض میارند از این هشت سبب باین طریقه که یک سبب خفیف
میارند بعداز آن سه فاصله بعداز آن سبب تقلیلی مثل تن تن تن تن تن تن و
ضرب اصل این دائره نقره اولی از سبب اولی واولی از سبب رابع پس بابت
شده در این دائره چهار زمان بر نسبت ب وهشت از زمان ۱ و فاقد است در او
دو زمان ج ۵ پس بعضی گفته اند چون زمان ۵ مخصوص است با اول مسمی شده
ب تقلیل اول و چون زمان ج در ثانی است دون ثالث مسمی شده ب تقلیل ثانی و
مسمی است ثالث بخفیف تقلیل بجهت فقدان دج در او وبعضی قائل شده اند

نه چنین است بلکه دو تقلیل ثانی هشت است و او تن تن تن و خفیف تقلیل
چهار و او تن تن تن پس نزد این قائل هردو دور از تقلیل ثانی قائم است
مقام یک دور از تقلیل اول و هردو دور از تالث قائم است مقام یک دور از ثانی
پس از این جهت مسمی شده است اول بشقیل اول و ثانی بشقیل ثانی و تالث
بخفیف تقلیل و بعضی تخصیص میدهدند ثانی را با اسم خفیف تقلیل و تالث را
با اسم تقلیل ثانی چرا که اصوات و طرایق مصنفه در تقلیل ثانی در صورتیکه
تفنی کند و ایقاع کند واحدی ایقاع تقلیل ثانی و دیگری ایقاع خفیف تقلیل
پس درین صورت سرعت میکند موقع ایقاع خفیف تقلیل در تالی
نقرات اکثر از عادت از برای اینکه ملحق شود موقع ایقاع تقلیل ثانی را و
چنانکه موقع خفیف تقلیل ایقاع کند بطور عادة محتاج است موقع تقلیل ثانی
سنگینی کند اکثر از عادت پس چنانکه موقع تقلیل ثانی سرعت کند در ایقاع
خلافاً لعادته واقع شده است از برای موقع خفیف تقلیل عجزی از لحوق ضرب
واوراً مخمس نامیده اند چرا که حرکات دور او پنج است و این است دائره ااو.

و اما تقلیل رمل،
پس زمان دور او دوازده
سبب است بنا بر این
نقرات او بیست و چهار
نقره است پس این
نقرات مثل و نصف است
از برای تقلیل اول مگر
اینکه موقع میگرداند
زمان مابین نقره اولی
و ثانیه و ثالثه مساوی
با زمان د و بوافقی را
ازمنه ب و بسا هست



گردانیده است زمان مابین دورین دا نیز زمان د براين مثال تئن تئن تن
تن تن تن تن و جميع عجم مینامند این قسم دا ضرب الاصل و اکثر
مصنفات ایشان دراو است و ضرب اصل او نقره اولی از فاصله اولی و اولی

از سبب سادس و در عرف فارسی آنرا شادیانه گویند و چون از این دور فاصله
 دویم و دو سبب که یلی آن است بسبی و زمان سادسی عوض سازند آنرا
 چهار ضرب گویند بشرط آنکه ضرب فاصله اولی و بسبی یلی آن و ضرب
 زمان سادس و سبب یلی آنرا بکف نگاه دارند و چهار ضرب ثانی را با صابع
 اربعه که خنصر و بنصر وسطی و سبابه بود نگاه دارند مثل تمن تمن تمن
 تمن تمن تمن و این را چهار ضرب صغیر خواهند واما اگر در مضاعف رمل
 بآن نوع تصرف کنند که ضرب ثالث و رابع آنرا حذف کنند و همچنین ضرب
 سبب ششم و ضرب فاصله اخیر را محدود سازند براین صورت تمن تمن تمن
 تمن تمن تمن آنرا او سط و نیم تقیل و چون این دور را تضعیف سازند
 تقیل گویند پس دوران بر چهل و هشت زمان گردد و ترکیب آن از دو فاصله و بسبی
 و فاصله و سه زمان سادس و زمان ثامنی باشد مثل تمن تمن تمن تمن تمن
 تمن تمن و چون این مجموع را بزمان ثامنی و ده وده فاصله و وتدین کنند
 اینرا نیز چهار ضرب خواهند بشرط آنکه زمان ثامن و دو فاصله یلی آنرا
 بکف نگاه دارند و فاصله ثالث و رابع را بسبابه وابهام و فاصله خامس را
 بکف نگاه دارند و فاصله ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم را بخنصر و بنصر
 وسطی و سبابه وابهام نگاه دارند براین صورت

تمن
 ک ک ک سبابه ابهام ک خنصر بنصر وسطی سبابه

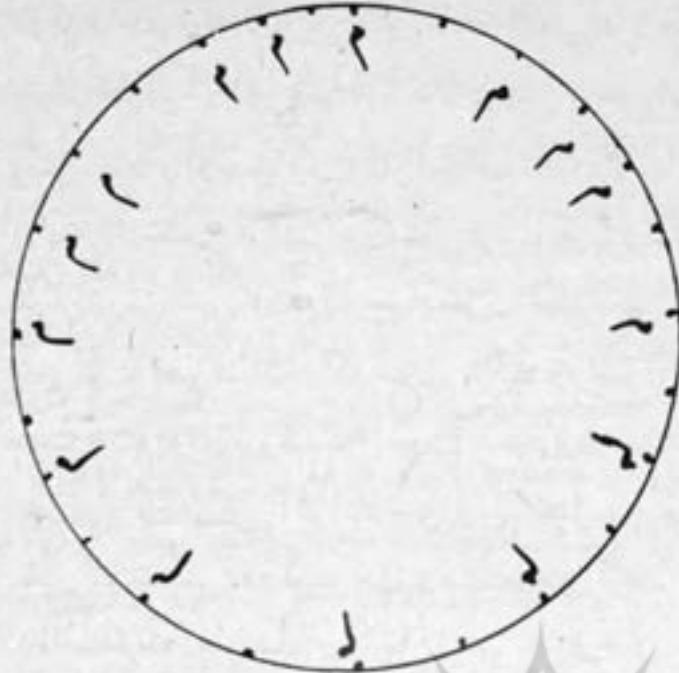
تمن
 ابهام

واين چهار ضرب را چهار ضرب او سط خواهند اما چهار ضرب كبر
 مضاعف چهار ضرب وسط است بـ تغيير صورت پس برنود و شش زمان گردد

۱۶ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸
 ک ک ک س ا ک خ ب و س ا

تمن
 ک ک ک ک ک ک سبابه سبابه ابهام

اوله



واین است دایره
تغیل رمل. و اما رمل،
پس زمان دور او
دوازده نقره است پس
این دایره شش سبب
است قرین میشود با اول
هر تاه سببی نقره و از
ایشان کسی است که
درج میکند نقره تاه
سبب سادس از اسباب
را در حالتی که قرار
داده است زمان مابین

دورین را زمان د از برای اینکه ازمنه مساوی نباشند براین مثال تن تن تن
تن تنن و اما ضرب اصل او از این نقرات خمس اولی و خامه است پس
درصورتیکه موقع ایقاع کند این دونقره را دردور (مل مینامند اورا مرمل
وازا) ایشان کسی است که قائل شده است از اینکه مرمل نیز زمان دور او مثل
زمان دور اولی است و اولی رمل نیست بلکه مخصوص است بضرب الاصل

اوله



واین است دایره او
وچون سبب ثالث
ورابع را بفاصله تبدیل
کنند مثل تن تن تننن
تننن آنرا دویک خوانند
اگر بضرب فاصلتین
اکفانمایند و گاه باشد
که فاصله دور رمل را
میان اسباب آن استعمال
کنند چنانکه دو سبب
را از فاصله مقدم دارند
و دو سبب را مؤخر چون

تن تن تن تن و این
است دائیر او
و ضرب اصل این
دایرهاولی و رابعه است
و اما هزج پس
زمان دور او مساوی
است با زمان دور خفیف
رمل و او تن تن تن
و ضرب اصل او نقره
اولی و نون و تند تانی
است و از ایشان کسی
است که قابل شده از

اینکه هزج هردو دور ازاو بازاء یک دور از رمل است برین وضع تن تن
و ضرب اصل این دایره اولی و رابعه است و این دو دایره است بنابردو وجه
مذکور و بعضی دور خفیف رمل را بر شش زمان دانسته اند مر کب از سبی و
فاصله چون تن تن تن بروزن مفتعلن و چون تقدیم فاصله کنند بر سبب مثل تن تن

تن بر وزن فعلاتن آنرا
هزج صغیر نامند و چون
هزج صغیر را مضاعف
سازند اهل عراق هزج
جیز نامند و اهل خراسان
ره سماع خوانند چون
تن تن تن تن بروزن
فعلاتن فعلاتن و چون
سبب اول و فاصله دوم
اور ابد و تبدیل سازند
مثل تن تن تن تن
بروزن متفاعلن فرعون

اوله

پوششگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتوال جامع علوم انسانی

اولم

آنرا هزج کبیر گویند
و گاه باشد که سبب را
از آخر این دور دراول
آرندو گویند که تن تنن
تنن تنن بروزن مفتعلن
مفاعلن واژ برای عجم
ضری است مسمی شده
بضرب فاختی و گاهی
تصنیف میکنند در این
ضرب و زمان دور او
بیست نقره است براین
مثال تنن تن تنن تنن
تن تنن و نقرات را زائد

براین نمیکنند. اما فاختی صغیر دور آن بربنچ زمان گردد و ترکیب آن از
وتندی و سببی باشد چون تنن تن بروزن فرعون و چون فاختی صغیر را تضعیف کنند
اگر تغییر صودت دهند بروجهی که بجای دو و تد دو سبب آن سببی و فاصله
سیار نداشته ای اوسط خواهد و دور آن بردۀ زمان گردد مثل تن تنن تنن
بروزن مفتعلن فعلان و اگر تغییر صودت نکند تر کی سریع نامند اما سبب
آخرین را دراول ارنند مثل تن تنن تن و چون تر کی سریع را مضاعف
سازند بر بیست زمان گردد که چهار بار بروزن فاعلن بود اما اکثر استعمال
چنان است که فاعلن اول را بفاصله کبری تبدیل کنند و فاعلن سیم و چهارم را
زمان عاشر سازند بدین صورت تن تن تنن تنن و چهار ضرب بر آن
مقرن گردانند و گاه باشد که فاعلن دویم را بفاصله کبری مبدل سازند و این
صور را تر کی ضرب اصل خوانند اما تر کی ضرب فرع دو و تد بود مثل تنن
تنن بروزن مفتعلن. اما فاختی کبیر بر بیست زمان گردد بدین صورت تن
تنن تنن تنن و ظاهر است که از فاختی کبیر هیئت یک دور او از قمری
تخیل میکرد بر سبیل استیطال واژ فاختی وسط بر سبیل توسط و از فاختی
سریع بر سبیل سرعت پوشیده نمایند که در جمیع این دورها که مذکور شد
ضرب مقابن تات است الا در سریع الهزج و خفیف الثقیل که ابحاق مقابله
نو نات نیز میباشد.